

حقیقت

شماره ۱۴۵ - ۲۱ خرداد ۱۳۶۰

رجزخوانی های احمقانه در پارلمان

۱۵ خرداد امسال و مستنای

حاکمیت قانون

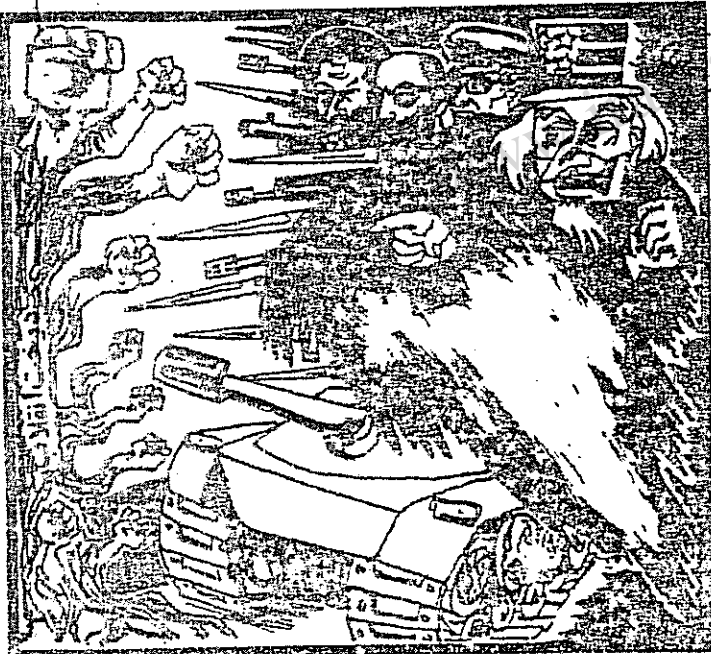
برخلاف رجزخوانی های
روزنامه های دولتی و همستان
توده ای - اکثریتی آنها حضور
چندمدهزار نفر مردم تیسران
و همچنین بستعداد کمتری در
سایر شهرها در مراسم با نژاده
خرداد امسال بمسئولیت بیعت
امت با امام ، تأیید دولت
و مجلس ولوایح ارتجاعی آنها
و یا شکست " لیبرال " و بیروزی
" مکتبی " نبوده بلکه بخشیا
شی از مردم برای بزرگداشت روزی
تاریخی و ملی آمدند و اما
مشتی توهین و دشنام و مسخره
مفت شنیدند و بعد هم رفتند . نه
اکثریت مردم شرکت کننده در
این مراسم شعارهای ارتجاعی
و مرفهانه " مشتی چند هزار نفره
را تا که مخلوطی از اونیای جنوب
الپینی و فوکلنی های شورده ای
اکثریتی بودند ، تکرار کردند
و نه آنکه برای قطعنامه کذائی
این مراسم " تکبیر " گفتند
بعد هم که موعظه خضه ساز و
خودنما و شدراهان را کردند و
رفتند .

هشدار!

حزب جمهوری اسلامی و همدستان خان
آن
می خواهند همین روزها یا
هفته ها کودتا کنند!

مردم تهران! مردم سراسر کشور!

خطر بزرگی انقلاب و تجاوزکاران بعثی خواهند شد
کشور را تهدید میکند! خطری خوزستان و بلوچستان و کردستان
جدی و قریب الوقوع ، خطری را بدست ایرقدرتها خواهد
که تابودی تمامی نتایج سپردوبک فاجعه عظیم ملی
انقلاب ۱۳۵۷ ، قلع و قمع تمامی را بسیار خواهد آورد .
سازمانها ، گروهها و عناصر
آزادیخواه و شریف جامعه ، در دو هفته پیش از این هشدار
کشتار بیدریغ خلق و محو کلیه دادیم توطئه انجام یک کودتای
آشار حیات سیاسی و زندگی ضد ملی و دست راستی حزبی
کسانی ملت ما را هدف قرار در شرف تکوین است! و اکنون
داده است . خطری که کشور را کاملاً برنا آشکار شده است که
ستاراج بیگانه خواهد داد! طرح این توطئه بطور کاملاً
با عت شکست خفت با رما در دقیق و حساب شده آشکار شده
چک مقاومت کنونی علیه بنیه در صفحه ۲



خبرهایی
از آبادان

یورش حزب حاکم
در بندر عباس

صفحه ۶

صفحه ۵

شاهپرستان خان
در نوشهر

صفحه ۷

دم خرسی قطبی و
تسم روس پرستان

صفحه ۱۰

جاوید باد

خاطره

زندگی

فک مطلبی

روانگی (غلام)

صفحه ۱۱

کارگران ایرانا

تنفر خود را از

ایر قدرتیا

بعثی ها و حزبی ها

اعلام میدارند

صفحه ۹

بقیه از صفحه اول

سرمقاله ...

است که طرح این توطئه بطور کامل و دقیق و حساب شده ای توسط سران حزب جمهوری اسلامی و هواداران دولت ضد خلقی و خائن فعلی ریخته شده و هرآن اجرای آن میتواند آغاز گردد. توطئه گران برای عملی ساختن کودتای خائسانه خویش نقشه ای کشیده و ستاد فرماندهی واحدی تشکیل داده اند.

نقشه کودتا، که قرار است طی یک مدت سه هفته ای بطور کامل اجرا گردد، از سه مرحله میگردد.

۱ - حمله ساختگی و از قبل برنامه ریزی شده گروهی مسلح به جماران (مقر امام)، و مدافعه ساختگی و طبق برنامه پاسداران محافظ امام در این ناحیه و اعلام اینکه با اصطلاح کسانی میخواهند امام را از میان ببرند و کودتا کنند. لازم بتذکر است پاسداران محافظ امام اخیراً برای چند میس با توسط مسئولان حزب سی تصفیه و عوض و بدل شده اند.

۲ - یورش با اصطلاح جوانانه پاسداران به همه نقاط شهر تهران با همراهی نیروهای مسلح ارتشی وابسته انجمن های اسلامی و دواثر سیاسی - ایدئولوژیک ارتش، کمیته ها و همچنین شاخه نظامی گروه امل (چمران) این نیروها متحداً شهر تهران را زیر کنترل و تحت حکومت نظامی در آورده و در همه بنا براملی، شاهرها و نقاط کلیدی مستقر میشوند.

۳ - تروربینی صدریمنی

رئیس جمهور کشور و طرفداران او؛ هجوم به همه مقرها و مراکز وابسته به ایشان و سازمانهای انقلابی و سیاسی مخالف، خانه های قبلا شناسائی شده رهبران و اعضای سازمان مجاهدین و گروههای چنیپ، عناصر صرملی و آزادیخواه و کشتار بی درنگ و بیدریغ تعداد زیادی از آنها.

همزمان با اجرای نقشه فوق در تهران قرار است در شهرهای آمل، بابل، قائم، شهرساری، ارومیه، بندر عباس، قشقو و آذربایجان اندازند. همچنین در تهران سخنرانی های تحریک کننده ای توسط هادی غفاری و موسوی تبریزی انجام خواهد گرفت. اما ستاد فرماندهی با اصطلاح رهبری عملیاتی این برنامه کودتا گران، کسب جلسات آن در پادگان قصر فیروزه تشکیل میشود، از اعضای زیر تشکیل شده است:

- ۱ - آیت الله محمد حسینی بهشتی.
- ۲ - حجت الاسلام موسوی تبریزی.
- ۳ - حجت الاسلام هادی غفاری.
- ۴ - علی محمد خاتمی (برادر حجت الاسلام خاتمی).
- ۵ - حسن آیت.
- ۶ - دکتر مظنی چمران.
- ۷ - محسن رضائینی (فرمانده سپاه).
- ۸ - تعدادی از افسران ارتش.
- ۹ - ...

گروههای نظامی و مسلحی که بطور هماهنگ و زیریک فرماندهی واحد قرار است در این برنامه شرکت کنند عبارتند از:

- ۱ - سپاه پاسداران.
- ۲ - لشکر نظامی وابسته به انجمنهای اسلامی و دواثر سیاسی - ایدئولوژیک ارتش.
- ۳ - کمیته های انقلاب

- ۴ - گروه امل (چمران)
- ۵ - جریان بنیام گروه توحید.
- ۶ - گروه فدائیان اسلام.
- ۷ - انجمن های اسلامی
- ۸ - ...

نیروهای عمل کننده در مراحل اولیه حدود هزار نفرند که در دسته های ۱۷ نفره سازماندهی شده اند. برخی امکانات تسلیحاتی: چند هزار قبضه کلت، سلاحهای سمی آفستدیه سیانور و صدها جلیقه ضد گلوله که بتازگی وارد کرده اند، بغیر از سلاح های معمولی که در اختیار دارند. ضمناً مزدوران شوروی یعنی حزب سوسیالیست فدائیان اکثریت نیز در کودتاگران همکاری دارند.

برنامه کودتا گران سه فوق طبق قرار قبلی انتظار میرفت که در همان روز ۱۵ خرداد اما آغاز وظیفه هفته بیایان برسد. لیکن بنا به دلایلی، که احتمالاً مهمترین آن همانا روحیه نا هماهنگ و نامساعد اکثریت مردم شرکت کننده در مراسم این روز بود، انجام آن به تعویق افتاد. اکنون توقیف روزنامه انقلاب اسلامی و چند روزنامه دیگر تهران دو روز بعد از آن و برخی شواهد دیگر محقق میگردد که این برنامه چندان هم به تعویق نیفتاده و هرآن اجرای آن محتمل میباشد. ای رفقای کارگزار!

اعضا و هواداران تمامی سازمانها و گروههای انقلابی و متعهد ملی! آزادیخواهان و همسایه عناصرو شخصیت های شریف و متعهد به آزادی و استقلال میهن! سربازان، درجه داران، همافران، افسران و پاسداران را که به هدفیای انقلاب مردم خویش و به استقلال و شرف ملی وطن خویش پایبندید!

توده های مردم سراسر کشور!

مردم تهران! بیدار و هشیار باشید! دست اتحاد بیهم دهید و مراقب توطئه گران باشید! یا سرگ ماست یا سرگ دشمنان ما! یا با بدغیرت کرد و بوجنات انقلاب و کشور برخاست و بسا باید بایی غیرتی دست روی دست نهاد و لگدمال آیین نوکران تازه به خدمت گمارده شده، ابرقدرتها گردید. ولی ما حاتم داریم که اگر ما ملت ایران متحد و بی تزلزل و تردید و با هشیاری و قاطعیت کامل عمل کنیم قطعا رسوائی و شکست و نابودی از آن دشمنان ما، از آن خیانتکاران و توطئه گران خواهد بود.

ما برای آخرین بار به خصی اخطار میکنیم که دست از پشت این جنایتکاران بلفترده و این کودتاگران خائن، که سر به آستان ابرقدرت پیا پیا کشیده اند، بگردانده و بازی های سیاسی خطرناکی که کشور را به کام ازدهای خون آشام آمریکا میبرد دست بکشد. که در غیر این صورت فردا صبح و نفرین ملت ایران متوجه خودش خواهد شد و بطلوه با دریای خروشان خشم میلسونتها انبیا رو برو خواهد گردید.

این انتظار مردم و وظیفه رئیس جمهور کشور است که قاطعانه در برابر توطئه گران ایستاده و با افشای آنها و دعوت مردم به سرکوب بی درنگ سران و یادی کودتا به تعهدات خود در قیامت مردم و کشور عمل کند. و ما قاطعانه اعلام میکنیم که از هر حرکت قاطعانه ایشان علیه توطئه گران خائن پشتیبانی کرده و همگان را به همراهی و شرکت در چنین حرکتی فرا میخوانیم و از همه مردم میخواهیم که در برابر سرگونی با حکومت حزبی ها و شرکای خائن آنها را بقیه در صفحه ۹

رجز خوانی ...

بقیه از صفحه اول
سید احمد خمینی که
اجتماع مردم را در دانشگاه
تهران و خیابانهای اطراف آن
با راهپیمایی های چند میلیونی
نی مردم در تاسوعا و عاشورای
سال انقلابی ۵۷ مقایسه میکند،
الته آن تاسوعا و عاشورا را
ندیده است و نمیداند و نمیخواهد
هدیاند. ولی مردم ایران
که میداند. روزنامه های
حزبی و طرفدار دولت از "رژه
چند میلیونی" و "راهپیمایی
عظیم" دم عزیزند و تصور میکنند
که با این تلقینات بیوج حکم
باطل خود یعنی حکومت باطل
مطلوب خویش را، که از همان
نوع حکومتی است که قیام
پانزده خرداد و قیامهای بسیار
دیگری را در کشور ما بر علیه خود
برانگیخت، در برابر جریانیهای
مخالف استبداد و مخالف
حاکمیت حزب ارتجاعی و ضد ملی
حاکم اثبات کرده اند. گروهی
از حضرات با نخوت و از خود رازی
و با آثار به شعراهای از قبیل
فروخوانده شده ای که چند هزار
نفر در میان چند صد هزار نفر
تکرار میکردند، گفتند که همه
پرسی (رفران دوم) میخواهید،
اینهم همه پرسی (رفران دوم) !
از قرار معلوم عناصر منفوری
چون بهشتی و شرکا و همدستان
کودتاچی او، که بنی بر
عددهای گردن کلفت مالدار و
وطن فروش، اوباش حزب
اللبی و جمعی روحانی و روش
نکر خود فروخته از جمله آدیبای
شوروی کسی برایشان گفت نمی
زدو" تکبیر" نمیگوید، طی

این مراسم حمایت تسوده ای
خود را نشان دادند! لیکن
حضرات اگر راست میگویند و
تحمیل آن را دارند (که ندارند)،
فقط برای یک روز مانعی
نتراشند و جلوی اجتماع مردم
را نگیرند تا ببینند توده های
عظیم مردم بر سر کشور نظرشان
در باره ایشان چیست و رژه های
چند میلیونی و راهپیمایی های
عظیم چه صورتی را دارا هستند.
در آتموقع آقای سید احمد هم
مشاهده خواهد کرد که "تاسوعا و
عاشورای قبل از انقلاب" یعنی
چه! در آتموقع پدرا ایشان
یعنی امام هم، که تصور
میکند این روز ثابت گرد ملت با
سیاستهای اوست، متوجه
خواهد شد که قضیه از چه قرار
است.

مشخصه مراسم ۱۵ خرداد
امسال رژه های با مصطلح
میلیونی و راهپیمایی عظیم در
تأیید دولت و مجلس و قاتونهای
ارتجاعی و قراردادهای ضد ملی
خیانتکاران حاکم نبود. این
دشنام و توهین بزرگی به مردم
انقلابی ماست، که گویا آمده
بودند مشتی مزخرف و هر رژه
درائی بشنوند و با ارادل خود
فروخته هم آوا شوند. مشخصه
مراسم این روز این بود که
سران حزب ارتجاعی حاکم و
همدستانشان بیش از آنکه تصور
میرفت خبیث و بد طبیعت هستند و
اینکه آنها با لجاجت تمام و
طمعی با ورنگردنی بر سرای
بلعیدن تمامی قدرت و استقرار
یک حکومت مطلقه فاشیستی
کام برداشته و با حرف و تهدید
زبانی عقب نمی نشینند.

در واقع قطعنامه ارتجاعی
مراسم پانزده خرداد بد خودی
خود همداری به مردم ایران
بود که شایطین نورسیده تصمیم
نیایشی خود را گرفته اند و در مردم
آنند که ضربه نیایشی را بر
انقلاب فرود آورند. این قطع
نامه که در برکانه و سام طرف
داری از قانون و حاکمیت آن
بر تمامی لواحق مستبدانه،

قراردادهای ضد ملی و بنسند و
بست های سران خائن حزب و
دولت رجائی - نبوی یا ابر
قدرتها مهربانانید نهاد، عاقبت
کار این دزدان قدرت را نشان
داد. این قطعنامه با خط و
نشان کشیدن برای سازمانها و
جریانیهای مخالف استبداد و
وطن فروشی و مفسد و واجب
القتل خواندن هر کسی که
بخواهد با مکتب و اسلام آمریکا -
شی - روسی حضرات مخالفست
کند، وضع اضطراری و سیر خطر -
ناک اوضاع سیاسی کشور را ثابت
کرد.

ما بارها به کارگزاران و
مردم محروم کشورمان متذکر
شده ایم و اکنون هم متذکر
میشویم که قضیه و دعوا بر سر
اسلام و مکتب و از این حرفهای
کلی و ظاهری نیست. مسئله بر
سر ولایت آقای خمینی و ریاست
آقای بنی مدرود دعوی اشخاص
نمیباشد. دعوی میان فرنگ
رفتگان و ایران ماندگان،
میان درس خوانده های اروپا و
مکتب دیده های تهران و قسم
نمیباشد، که بسیاری از همین
مدعیانی که قضا یا را بدینگونه
طرح میکنند خودشان سالها در
سواحل یونان و جنوب فرانسه و
آلمان و دریای سیاه لنگر
انداخته و به قساد مشغول بودند
(راش این این جنابان یعنی
آقای دکتر محمد حسینی بهشتی
نمونه بارز این قماش است).
مسئله اصلی و اساس دعوا بر سر
قبول یا رد هفتیهای انقلاب
ایران است؛ بر سر اثبات یا
نفی آزادی، استقلال و حاکمیت
مردم در یک نظام جمهوری
واقعی است؛ بر سر قطع رابطه
با نظام فاسد و سیاستهای
خائسانه رژیم شاه معذوم و
یا تجدید باط شادی ها،
جنایت ها و وطن فروشی های
همان رژیم اینست در ریوشنی
منهیی و مکتبی است؛ بر سر
سبزه با ابر قدرتها و با نوکری
برای ابر قدرتهاست.
باید از آنها شی که انتظار

دازند مردم از قانون و حاکمیت
قانون اطاعت کنند پرسید؛
آیا قانون یعنی قانون قرون
وسطای و وحشیانه قصاصی؟
آیا قانون یعنی مدور حکم
انگشت بریدن و دست و پا راه
کردن به جرم آفتاب سه دزدی؟
آیا قانون یعنی شرعی و قابل
خرید اعلام کردن قتل زن بدست
مرد، بی دین بدست با دین
و کسانیکه بی بول و مفسد اند
بدست کسانی که پول دارند و
میتوانند هر قتل و جناایتی
را با وجه نقد تویه کنند؟

آیا قانونی که اینها می
خواهند همه از آن اطاعت کنند
یعنی قانون فاشیستی مربوط
به فعالیت احزاب و گروهها و
یا اظهاریه ده ماده ای آقای
قدوسی است، که بر طبق آنها
تنها حزب و دستای آزاد است
که خفقان بگیرد، بی اجازه
هیچ مسئله ای را در میان مردم
کشور خویش طرح نکند و ضمناً
مورد تأیید آقایان بهشتی و
موسوی اردبیلی و امثال
ایشان، باشد؟ این قانون
با قانون "رستاخیز" شاه
معذوم چه تفاوتی میکند؟ چه
جای تعجب است که طبق این
قانون تنها احزاب مزدور ابر
قدرتها نظیر حزب آقای کیانور
و شرکا میتوانند آزاد باشند.

آیا قانون یعنی همین
احکام لغو و تعطیلی که شورای
عالی قضائی و دادستان کل
در باره هر روزنامه و مجله و
دفتر و تشکیلاتی که کوچکترین
مخالفت و حتی انتقادی از بلوا
سازینا، جماعتی هسا و
خاست کاریهای حزب حاکم و
سران یا غی آن بکند، صادر
میکند؟ آیا حاکمیت قانون
یعنی حاکمیت جماعت و انداختن
مشتی ز - بدست نادان به
جان کارگران، دهقانان،
دانشجویان، دانش آموزان
و دیگر قشرهای مردم؟ آیا
حاکمیت قانون یعنی دستگیری
و حتی ترور خیابانی مبارزانی

رجز خوانی ...

بقیه از صفحه ۱۳

که برخلاف روش خاشنا نه و تفرقه افکنانه عمال حزب خاکم درجبه های جنگ دلبران از انقلاب زمین خویش در برابر تجا و زکاران مزدور عرا تسدر جنوب کشور دفاع مسئولند؟ آیا قانون یعنی همین لویح کشور برپا داده نظیر لایحه بودجه، که یکی پس از دیگری توسط دولت آقایان مکتبی طرح و توسط اکثریت مکتبی مجلس تصویب میشود؟ حاکمیت قانون یعنی حاکمیت دلان و کمپرا دورهای که به برکت این بودجه ارزهای کشور را با بنجل های اروپا و آمریکا عوض میکنند و بخشی را هم به بهانه واردات به حساب های خود در خارج میگذارند؟ آیا حاکمیت قانون بمعنای جراج ذخا شرفتی کشور در بازار کارتل های بین المللی و نابود کردن تولید داخلی بفتح واردات از خارج است؟

آیا قانون یعنی بذل و بخشش بیش از ۵ میلیارد دلار از اموال بیغنا رفته ملت به بانکداران آمریکائی و غیر آمریکائی و پرداخت اصل و فرع وام های اشرف پهلوی و اعضای خاندان کثیف محمد رضا شاه معدوم است، که این گونه با حرارت در مطبوعات حزبی و هوادار دولت توجیه و ماستالی میشود؟ آیا بزعم طرفداران حاکمیت قانون، که اطاعت بی چون و چرا از قانون را موعظ میکنند، حاکمیت قانون یعنی حاکمیت بی -

شرف ها و خود فروختگان سی چون بهزاد نبوی که مانند پدر خاشش شرف و حیثیت ملت ما را به قون و قراری به آمریکا و انحصارات غارتگر بین المللی میفروشد و پای هر قرار داد و وطن فروشان های را امضاء میکنند؟

آیا حاکمیت قانون یعنی حاکمیت نظام استعمار گرانده مونتاز بر صنایع کشور و آوردن کارشناس و مستشار خارجی به کشور؟ این قانونی که امام هر روز مردم را به اطاعت بی چون و چرا از آن فرا میخواند و در قطعنامه گذاشتی ۱۵ خرداد هم مصرا نه تاکید میشود، آیا همین قرارداد های تالیپوت و لیلانند مونتور و کروپ و چند قرار داد خاشان براندا ز دیگری که در جیب آقایان رجائی و نبوی و بهشتی میباشد، نیست؟ آیا اطاعت از قانون یعنی اطاعت از مطامع شرکت انگلیسی تالیپوت و سایر مداران شرکت اروپ آلمانی؟ آیا اطاعت از قانون یعنی اطاعت از امضای که آقای خیا می کمپرادور بزرگ و سلطنت طلب معروف با پادری میانی آقای بهزاد نبوی در پای قرار داد استعماری تالیپوت گذارده است؟ آیا اطاعت از رأی کدیشورای نکبان بدهد یعنی اطاعت از این تصمیم وطن فروشانه این آقایان که با بد مستشار نظامی از غرب وارد کرد و ارتش را دوباره به دست افسران و جاسوسان آمریکائی سپرد؟

آیا اینهاست قانون های که مردم با پیداز آنها بی چون و چرا اطاعت کنند، و اگر کوچک ترین انتقادی هم بکنند " مرتد نظری " و صد چیز برای شان حرام است و بایست مقتول هم بشوند؟ اگر حضرات مادرکننده قطعنامه گذاشتی توانین دیگری را که به تصویب این مجلس و دولت رسیده است در نظر دارند، بنظر اینها پس چه قانونی است؟ به جز این قوانین و تصمیمات ارتجائی،

فاشیستی، فدملی و وطن فروشانه، چه قانون و تصمیم دیگری در این مجلس تالیپوتی توسط این دولت پیشنها دوباره رأی گذارده شده است؟ همینهاست و چیزهای دیگری نیست.

با این تفصیل از قضایا خیلی روشن است که منظور زامداران مکتبی کشور از به اصطلاح " گروهک های که کینه توزانه و ناشیانه [عجب! دیگر چنانا شیانه؟!] در صدد ممانع حاکمیت قانون شوند" چه کسانی میباشد؟ این " گروهکها " بدون شک نمی توانند با برقراری دستجات کارگزار آنها باشند؛ چه آنها هم اکنون مدافع این نوع حاکمیت قانون اند. چگونه میتواند در ادیو آمریکا، که در این اواخر بنفع آقایان حزبی و مکتبی ما هرا نه جوسازی می کند، معرف این روش " کینه توزانه و ناشیانه " باشد؟ یا نکداران آمریکائی که از برکت وجود شما خیا ننگاران و امضای وزیر مشاوران سرمایه عظیمی دست پیسدا کرده اند، هرگز نه نسبت بد شما کینه توزند و نه خیلی ناشی تشریف دارند!

این " گروهکها " قطعاً انگلیس و آلمان غربی و دیگر کشورهای امپریالیستی که یکی پس از دیگری طرف قرارداد های آقایان مکتبی و قانون قرار میگیرند، نمیتوانند باشند. گجا تالیپوت و کروپ نمیتوانند با این نوع حاکمیت قانون مخالفت ورزند!

این " گروهکها " هما به فریبکار شمالی یعنی شوروی

تجا و زگرهم نمیتوانند باشند نیست؛ چه اتفاقاً این همایه عزیز آقای جلال الدین فارسی از همه بیشتر در دفاع از شما دزدان و طمع کاران بنوکیسه شینه چاک میدهند و نوکران حلقه بگوش را به حمایت از شما حتی جاسوسی و پادوشی برای شما بر میانگیرند و تشویق میکنند.

این " گروهکها " قطعاً وابستگان آقای خیا می طاغوتی و شاه، که امفایش آنقدر برای آقایان بهشتی و رجائی و نبوی یعنی عاقدان قرار داد تالیپوت ارزش دارد و یا احیاناً هم مسلکان پدر آقای نبوی در پاریس یعنی بختیار رودارو دستا ش، که از برکت وجود این دولت هنوز ارزشان قطع نشده است، نمیتوانند باشند.

این " گروهکها " که معلوم نیست اگر بزعم ایشان گروهک اند پس چرا اینقدر از آنها وحشت دارند، سازمانهای انقلابی و متعهد کشور، شخصیت ها و عدا صرملی و با شرف جامعه و بطور کلی مردم این سرزمین هستند. از " کینه توز و ناشیگری " اینهاست که این حضرات اینقدر وحشت و ترس دارند. ولی شمار امطنش کنیم که اینها بدون شک کینه توز هستند، ولی برخلاف شما ناشی شنبیا شدند و خوب میدانند بسا منتهی دلک که ادای شاه و هویدا و نصیری مع دوم رادرمیآ ورنه چیه کنند!



حقیقت

اتحادیه کمونیست ایران
را بخواهید

خبرهایی از آبادان

۱ - وضعیت جبهه مدن و میدان تیر بعد از گرفتن دوشه تا حد خوبی منفع نیروهای ما چرخیده. اهمیت استراتژیک این تپه ها در میدان تیر بسیار است. چندین ساعت بعد از تمام درگیری ها با اتفاق چندن از بچه های بسیج به بالای یکی از دوشه رفتیم. این تپه ها از لحاظ جغرافیایی چنان است که از بالای آن تمامی تانک فارم و بخشی از یوارده خوبی پیدا است. از برای این تپه ها دیده بان محوطه نسبتا وسیعی را می توانند زیر نظر داشته باشند. با دوربین میتوانستیم تا نکه های عراقی را که در حال عقب نشینی هستند ببینیم.....

۲ - در بین اسراء عراقی با یکی در بیمارستان محبتی کوتاه داداشیم. میگفت که من شاگردنجا هستم و نمیخواستم در این جنگ شرکت کنم ما یکروز صبح با ماشین ارتش آمدند و بسا زور بردندم. اسیرموری شخصی بسیار روتیح و مرتجع بود که حتی بلند بلند به خمینی فحش میداد.

۳ - به گفته رفقای خودمان تعداد اسرا در زندان احمدآباد ده نفر بوده. البته از طرف یکی از دوستان محبت ۴۰ اسیر در زندان سیاه هم میشده.

۴ - بعد از جریان حمله نیروهای پشتیبانی از ذوالفقاری و آندست شط بهمنشیر (بعد از دریا قلی و پهل مهندسی ارتش) در حدود سه کیلومتر پیشروی کردند و حلقه معاصره تا حدی با زنده بود.

۵ - از یکی دوروز قبل از حمله برای اولین بار مستون پنجم (لاقل تا آنجا که ما خبرداریم) از خمپاره انداز استفاده کرده از روستائی به نام صیدا و به حوالی سخی (زمین با سر بیابانی) کناره رجا ده خاکی را با خمپاره ۸۱ میزدند و چندین مرتبه نیز در روستاهای اطراف از جمله روستای تنگه سنگ را زدند. البته بیشتر بنظر میرسد که گرادبندی خاصی ندارد و بیشتر دیمی میزدند. در این مورد در قسمت دوم منملا توفیح میدهم.

اخباری از جنگزدگان شهرهای دیگر خوزستان

در حدود روزهای ۲۲ - ۲۰ اردیبهشت کارگران بندر ما شهر که کشتی ها را تخلیه میکنند و خانواده هایشان بیشتر جنگ زده هستند و به شهرهای دیگر رفته اند. خواستار این میشوند که بتوانند به مرخمی بروند و وزن و بچه هایشان را ببینند. این خواسته بحق از طرف مسئولین امر آنجمنان "نا معقول" بنظر میرسد که املا محل به کارگران نسیگذارند. از فردای آنسروز بندر تقریبا به حالت اعتصاب درمی آید و ۱۲۰ - ۱۰۰ کارگر بندر عملا کار نمیکنند و در نتیجه با سداران را به سراغ کارگران میفرستند و آنها بسیار روحیانه تعدادی از کارگران را به رگبار می بندند که در نتیجه ۶ نفر از کارگران اعتصابی شهید میشوند و ۶ نفر زخمی.

حدود روز بعد از این جریان کارگران بندر امام خواسته های خود را با "مسئولین در میان میگذارند و آننگه (بقیه در صفحه ۸۴)

۱ - وضعیت جبهه مدن و میدان تیر بعد از گرفتن دوشه تا حد خوبی منفع نیروهای ما چرخیده. اهمیت استراتژیک این تپه ها در میدان تیر بسیار است. چندین ساعت بعد از تمام درگیری ها با اتفاق چندن از بچه های بسیج به بالای یکی از دوشه رفتیم. این تپه ها از لحاظ جغرافیایی چنان است که از بالای آن تمامی تانک فارم و بخشی از یوارده خوبی پیدا است. از برای این تپه ها دیده بان محوطه نسبتا وسیعی را می توانند زیر نظر داشته باشند. با دوربین میتوانستیم تا نکه های عراقی را که در حال عقب نشینی هستند ببینیم.....

روحه بچه ها بسیار عالی بود و هر کس دیگری را در آغوش میکشید و گریه میکرد. آخر بر سر این نقطه شهادت ها و شهادت ها، فداکاری ها و ضیاعهای بسیاری را شاهد بوده اند. راستی که بیرون ریختن این مزدوران چه لذت بخش و غرور آفرین میتواند باشد. اگر دولت سردان اجازت دهند.....

آنها خمکین هستند و علتش اینست که بعد از مدت ها کشته شدن و فداکاریها که جدا قابل تحسین است و بعد از زنده شدن آنها تحسین آنها را از طرف فرماندهان اینها را نتوانسته اند کاری بر سر داشته باشند. از طرف دیگر نمیتوانند از برای در آمدن سربازان با سدا رویا بسیجی بخل دشمنان که نه با تیرباران بلکه با گلوله آرمی.خی کشته شده اند و از برای دلبهرند. اگر چه کشتن این اسرا صحیح نمینباشد. جالب توجه است که در جریان همیستون پیشروی که از جمله پیشروی های موفق و هماغه شده و با برنا مه بوده. دوشب قبل از حمله جریان لومبرود و برنا مه شبخون دوشب به تمویق میافتد و جالب توجه تر اینست که به گفته یکی از رفقای خودمان که در حمله به بعضی ها داخل بوده آنچنان بی نظمی و بیلبشو وجود داشته که اینگونه بنظر میرسد که فرماندهان در عمل همان بسیجی ها بوده اند. در جریان شبخون مهمات نیروهای ما تمام میشود (طبق معمول همه پیشرویها) و فقط به همت چندن از یار سداران و سربازان دوباره مهمات میرسد در حالی که با تمام شدن مهمات نیروهای عراقی حتی پیشروی میکنند تا اینکه با رسیدن مهمات قابل قضیه را میکنند. در این پیشروی نیز تمامی خصوصیات نیروهای خودی را به خوبی مشاهده کرد:

از طرفی فداکاریها و شهادت های سربازان بسیجی ها و با سداران، شهادت های سرخشان، راه انقلابی و بی برگشتشان تحمل شاد بود و ایستادگی بی پایان و از حیثی همی نظمی حاکم در جبهه و نبود فرماندهان در خط جبهه و بی عملیشان طوری که رفقای ما تصمیم به پیشروی میگیرند و مشوق دیگران میشود و از جهت دوباره مهمات خلاص میشود. فداکاری بی نظمی و بی تفاهتی و نداشتن کاری بالائی ها. با تمامی این تفاهت و حمله ای موفق از آمدن آید و قابل درگیری و مشوق تمامی بچه های که در کبر این حمله بوده اند و کمانی (مردمی) که ناظر

هواداران اتحادیه از

فعالیت شاهپرستان خانی

در پوشهر خرمیدهند

و کمونیستها انداخته بودند، را میدورالدم کنند. در همان شب افراد سیخ را در شهر به گردش در میا و رندوبه چندین خانه هواداران مجاهدین حمله میکنند. در آن شب دوش از هواداران این سازمان را شدت مضروب میسازند. از آن بعد هر شب از ساعت ۹ به بعد افراد سیاه و سیخ با چپیه‌هایی که بصورت بسته‌اند و سلاحهای گمری و ژ-۳ درخیا با آنها حضور دارند و یک حالت حکومت نظامی غیررسمی برقرار است. با وجودیکه مجاهدین و سایر گروههای انقلابی این جریان را از طریق اطلاعیه‌هایی محکوم کرده‌اند، اما حزبون جنایتکار یک لحظه از شوراندن "مردم" علیه آنها و مقصر جلوه دادن آنان در این گونه وقایع پرهیز ندارند.

در پوشهر تمام چماقداران که قبلا از طرف انجمنهای اسلامی مختلف و گروههای وابسته به مجاهدین انقلاب اسلامی سازماندهی میشدند، تحت نام "حزب الله" سازمانتکسسل شده‌اند و علاوه بر چماقداری و تجربه‌کشی و ضرب و شتم هواداران گروههای سیاسی و مردم مبارز و آزادخواه، تبلیغات شدید را هم در سطح شهر انجام میدهند. در هفته گذشته هجوم به خانه‌های افراد مبارز و انقلابی را شروع کرده‌اند. در این هجومها اکثرا هواداران مجاهدین خلق و گروههای چپ مورد حمله قرار میگیرند. یک مورد آن بدینصورت بود که به خانه دودختر مبارز هوادار مجاهدین حمله میکنند و میخواهند دختران را از خانه بیرون آورده و ضرب و شتم کنند. این خانه که توسط یکی از همین جوجه چماقدارهای محله شنا سانی شده بود، در سطلدانی واقع است که مردمش شدت از دست این چماقکشیها به تنگ آمده‌اند، هر چند در پیش سفیدان محل با درمیانی میکنند. آنها جری تشر میشوند و حتی تصمیم میگیرند از دیوار خانه بالا بروند. مردم محل که بهیت زده و بد وقت و لحام کسختگی آنان نگاه میکردند نمیدانستند این اوباشان چه میدکورد. سرانجام میوه فروش سر محل که بنام کریم مشهور است تحمل این همه وقاحت را نیاورده و با کاردبزرگی به طرف چماقداران "حزب اللجی" هجوم میبرد و یک تنه جلوی همه آنها که بیست نفر میشدند، می ایستند. چماقداران بزدل جرات نمی کنند تا او نزدیک شوند و در حالی که یکی از آنها کریم را تهدید به برگ میگردن و او را برقرار ترجیح میدهند. بعلاوه آن جناب جوجه چماقدار هم از طرف اهالی محل شدت طرد و مسزوی میشود.

در این بطنه‌ها همین خانه گردیها در بندرگنا و ده حسین بارانی کاندیدای مجاهدین و خواهرش را دستگیر کرده‌اند. ایشان کاندیدای بود که به دور دوم هم رسید.

در پوشهر، او آخر ما داردیست، یکی از هواداران اتحادیه کمونیستیای ایران در محل زندگیش توسط انجمن اسلامی محل که دکه در سر محل زده و مسقر شده، دستگیر میشود و شدت مورد ضرب و شتم قرار میگیرد. اهالی محل و سخوی خانوادها رفیق گذاز جریان مطلع میشوند دستهای بد جلودکده انجمنی‌ها می آیند و بدون پروا آنها را با دآنج میگیرند که لایش بودند، و خواهان برجده شدن به ط قلدوری انجمنی‌ها میشوند.

خاج غلامحسین طبیب که شغل او تجارت و معامله از طریق شیخ نشینها است. او از نظر سیاسی فردیست شاهپرست و بختیاری و مخالف سرسخت خمینی و هیئت حاکمه که در هر تجمع و مجلسی هم این تبلیغات فدا نقلانی را علیه میکند و همراه اینها همیشه تبلیغات ضد کمونیستی، او در زمان شاه در شهر روابط خوبی با افرادی و اکی و افران شیربانی داشت. ولی تا بحال اسم او رسماً به عنوان ساراکی اعلام نشده است. سنازه او در خیابان جمشید و محل تجمع افراد فدا نقلایی شاهپرست است که افسرادی کدر و سنازه، اوج جمع میشوند بنظر مشکوک بنظر میرسند. او شوهر خواجری دارد بنام حاج مرادی که متیم کویت است و شغل او هم تجارت و معامله که اجناس وارد پوشهر میکند و عمدتاً در بندر از بیرون میرساند که بوسیله خودش و یا طبیب از کمرک پوشهر ترخیص میشود. چندی پیش مرادی با یک نفر دیگر که پوشهر آمده بودند که فردا خیر قیای شیب به دکترومدنی داشت ولی بلندتر و هیکل دار تر و خیلی مرتب مثل افراد ارتشی، خلاصه اینکه این فرد بنظر خیلی مشکوک بنظر میرسد که با این قیایه بنظر میرسد ساواکی است. چندی پیش طی گفتگویی که با طبیب داشتم این طور عنوان کرده که اربابان بختیاری در کویت دفتر با زک کرده و مرادی کذاز کویت آمده خبر آورده که دکترومدنی و خسرو خسان قشائی هم که از طریق بندر عباس به کویت رفته، منزل با خود مرادی دعوت بوده‌اند. او همچنین عنوان کرده که انشا الا بختیاری اربابان آمریکا همین روزها می آیند. با این خبرها که گفته شد مرادی شخصی است که با این دفتر در کویت ارتباط دارد و در وقت و آمده‌های او به ایران هم نمیتوانند بدون انجام ما موریت باشد و طبیب هم منخفا در ارتباط با مرادی و تبلیغات هم که میکند منخفا با برنام حساب شده که ممکن است یک شبکه در این منطقه باشد که این افراد در آن نقش داشته باشند که با اطلاعات بیشتر میتوان بدان پی برد.

در چند هفته اخیر در شهرهای گناوه، پوشهر و بندر لنگه، عکسپاشی از رضا تولدک محمد رضا شاه معدوم در لباس خلبانسی در سطح وسیع بخش شده است. حتی کسی را دیده‌اند که در روز متغول بخش کردن تعدادی از این عکسها بوده است.

آنچه که در شب ۱۱ اردیبهشت در گناوه گذشت نمونداشی از توطئه‌های فدا انقلاب سلطنت طلب و دیسه با زیبای مرتجعانه حزبون در این رابطه است.

شب ۱۱ اردیبهشت، عده‌ای که بدون تک از افراد وابسته به فدا انقلاب سلطنت طلب بوده‌اند (البته اگر از خود حزبون بوده باشند) با ساداری را غافلگیر میکنند، دست ویسهای او را می بندند و با قندک ریختن را آتش میزنند و بلافاصله او را با ماشین بدجلوپا ساراخانه برده و رها میکنند. با ساداران کسه سرحالین حرکت میزنند، به محدثیرسیا میدوایزند و کسور آن مرتجع شاه چنان تشریفی را می اندازند که گوئی دشمن وارد شهر شده‌اند. آنها با لحنی سیاه را اس انکیر در رنجید، بی بیسی رسانی که همه در خواب بودند از مردم میخواهند که همگی از خانه بیرون آیند و مسی این واقع را که زور را بنیدگیر، مجاهدین

اخباری از

بقیه از صفحه ۶

بودند که روی آن اداره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش نوشته شده بود.

*** سپاه پاسداران در آبادان بسیج را خورده و عملاً از صحنه بیرون میکنند و فقط به قول خود بسیجی ها، آنها را به نا تسوری گذاشته. این حرکت از قبیل از جریان حمله به تپه های مــــدن آغا زگردید. و بسیج مستضعفین به بسیج سپاه بدل شد. البته این جریان بدنبال یک حرکت سراسری است (هما نگونه که میدانید) *** خیردیکری از اصفهان از یادگان فرج آباد سابق حاکی از ورود چندین مستشار نظامی کمره ای (شمالی) برای آموزش خمپاره اندازهای کمره ای، به دنبال است (خبر اوائل اردیبهشت).

یورش حزب حاکم

مورداً ثابت گلوله واقع شده بود و بر این اساس در این روز از طرف مقامات بندر عباس "عزای عمومی" اعلام و از کلیه ادارات دولتی خواسته شد که در تشییع جنازه شرکت کنند و طبق معمول عده ای معدود شرکت کردند. در طی مدتی که مراسم در جریان بود، درگیری هایی روی می دهد که خود بسیار جدیدی به مرتجعین داده و برنا های را که از یکر و قبیل (۶۰/۳/۶) در شهر اه انداخته بودند مبنی بر خاندگیری بشیوه ساواک اینبار در سطح وسیع - تری از سرگیری کند که منجر به دستگیری عده زیادی گردید. خانه گردی عمدتاً در اطراف میدان و خیابان برق صورت گرفت و در منطقه ای که کلاً به بلوکی موسوم است.

این مسائل خیر از توطئه و برنا مد جدیدی در سطح بندر عباس می دهد بخصوص که اخیراً سروکله فدا ثیان اسلام نیز در شهر پیدا شده و عده زیادی از آنها سب درت به فروش تشریفشان "منشور آزادی" میکنند و محل های انتخاباتی شان درست همان نقاطی است که "حزب توده" و "فدائیان اکثریت" دکه و بساط داشتند و با توجه به برنا مه و شیوه سازمان و حزب تا مسروده در قبال حضرات "فدائیان اسلام" طبق معمول همیشگی و ذاتی شان سر تسلیم فرود آورده و محل خود را ترک کرده اند. بهر صورت این روزها خانه گردی رواج فراوانی دارد و شیدا شهر کنترل میشود ((پاران قاسم - هواداران اتحادیه در بندر عباس))

فعالیت شاهپرستان خان

در مقابل این مسئله عوامل حزب مردم را بیاد توهین و تاسزا میگیرند. یکی از اقوام رفیق که از این وقاحت شدت عصبانی شده بود به انجمنی ها حمله میکند و یکی از آنان را مفروب میا - زد و عمل او مورد حمایت ما بر اهالی تراس میگیرد. بدنبال این درگیری سپاه شهریانی، کمیت و خلاصه هر چه نیروی انتظامی در شهر بود برای دفاع از این جوجه های دستگاه استبداد جدید محل هجوم آوردند. آن رفیق و خویشاوندش را دستگیر کرده و با مظلوم تحت تعقیب تراس میدهند.

این کارگران که آنها نیز در حدود صد نفر بوده اند خواسته بسیار "شدنی" ای را (حتی برای سرمایه داران) عنوان میکنند و آن اینکه کارگران میگویند حاضرند بجای روزی ۷ ساعت روزی ۱۴ ساعت کار کنند در عوض ۵۰ نفر کار کنند و ۵۰ نفر به مرخصی برای دیدن خانواده های جنگزده شان بروند، یعنی بجای ۱۰۰ نفر، ۵۰ نفر کار ۱۰۰ نفر را بکنند و هر ۱۵ روز به مرخصی بروند. این عمل هیچ تا ثیری در بار زده کار بندر ندارد و خوبیش اینست که کارگران میتوانند به سرو سامان دادن به خانواده هایشان هم برسند. با اینحال آقایان مکتبی جوانان این بوده که تا معای به نخست وزیر بنویسید. کارگران نیز اینکار را میکنند و دوسه نفری را هم با نامه به سراغ نخست وزیر مکتبی میفرستند. البته از آن دوسه نفر خبری نیست ولی شایعه ای در بین کارگران مبنی بر جواب منفی نخست وزیر موجود است. جریانی در همین مایه در بندر عباس بوده که کارگران خواسته های شان رسیده اند.

*** در شب سوم خرداد در برین راه ما شهر آمدید به لوله های نفت را با بمب منفجر کرده بودند.

*** در روز اول خرداد یک کشتی ژاپنی حامل یک هزار تن شمش آهن برای کارخانه نوردا هوا ز که تحت پوشش حمایت ضد هوایی های مانبوده بوسیله نیروهای عراقی زده میشود (شمیدا نیم با میک زنده اندیا از راه زمین). کشتی تا حدی خسارت میبیند اما غرق نمیشود و همانجا پهلوی میگیرد. مقصد کشتی بندر عباس بوده.

*** در اصفهان در یادگان فرج آباد سابق (مرکز توپخانه) در روز ۴ خرداد یک سرباز با علت نامعلومی تیرباران میکنند. همچنین خیرا ز وجود یک بانک کودتاچی بنام "نقاب" در این یادگان است که بدنبال عضوگیری است. از کم و کیف جریسان دقیقاً خبر نداریم.

*** کارخانه نوردا هوا ز بوسیله "مکتبیون" در حال بسته شدن کامل برای ابد است. علتش قبول نکردن کارگران به زیر بوم مکتبیون رفتن است.

*** کارخانه کوکا کولا در هفته پیش (۵ خرداد) خبر دریا فست شده (بوسیله "بنیاد مستضعفان" ضبط میشود (در اصفهان). روسای کارخانه نامه شکایت آمیزی به بنی صدر در این مورد مینویسند که گویا در جواب بنی صدر از جری ها جواب میخواهد و آنها جواب درست و حسابی به او نمیدهند.

*** در سپاه پاسداران آبادان بخشی بر مبنای تصفیه عده ای جریان دارد. گویا جریانی بنی صدری و امتی پاز "حدمرز" خود ترا ترک کرده اند. (اوا خرا ز دیدت)

*** در ارتش (لا تیل در آبادان) عده ای از اداره سیاسی - ایدئولوژیک گویا جریانی حزبی را متشکل میکنند و فرا کمبون حزبی در ارتش بوجود میآورند. در روز اول ماه عده ای از اینها با شما رها و علامه های شیدا حزبی در بین کارگران اعلامیه بخش میکنند. در حالی که روی با زویشان یک نوار چسبانده



دم خورس...

بقیة از صفحه ۱۰۰

مقدم جیبیه "و ما زمان آزادی - بخش فلسطین، و با لآخره

۲ - تا بود ساختن انقلاب فلسطین و پالیسیا ل کردن آرمانهای انقلابی خلق قهرمان فلسطین و خلقیای انقلابی سراسر کیتی، و بدین ترتیب برقراری "ملیح با یباروعا دلانه" و حل امیر - یالیستی "بحران" خاورمیانه عربی.

نکات فوق چهارچوب عمومی و جوهر واقعی سیاست رژیمهای ارتجاعی منطقه، خاورمیانه رجمله اردن، مصر، عربستان... و غیره در قبالی انقلاب فلسطین یعنی کانون انقلاب خلق های تحت ستم منطقه را تشکیل میدهد. و این است اهم مواضع حسین شاه اردن که با مواضع دولت "سوسینا - لیتی" اتحاد شوروی بهم نزدیک است و آنچنان موجب خرسندی جناب برژنف گردیده است که ایشان در پوست خود نمی کنند.

بدین ترتیب می بینیم امپریالیستها، سوسیال امپریالیستهای شوروی و مترجعینی چون شاه حسین اردنی هراندازه بخوانند نقاصد پلید خود را در قبالی انقلابات لایوتانی کنند، با لآخره آنجا شیکه پای عمل پیش میاید ما حیت شان بر ملا میگردد و قبول مسرور دم خورس هم از زیر برد بیرون خواهد زد.

این حقیقتی است که خلقهای جهان بویژه خلقیای انقلابی ایران و فلسطین، هر

کارگران ایرانا تنفر خود را از ابر قدرت ها و بعضی ها و حزبی ها ابراز می دارند

روز سه شنبه، به تاریخ ۶/۳/۶۰ یا ردیگر کارگران ایرانا انزاجا خود را از حزب چماق بدستان و مستبدین تازه بدوران رسیده و همچنین از امپریالیستهای شرق و غرب و بخصوص موضع گیری بر سر جنگ میهنی علیه صدام حسین خاشن اعلام نمودند.

ساعت ۷/۵ شب پس از قطع برق، ظلمات چگون تیرگی استبداد پرکارخانه برده گسترده کارگران در یکی از قسمتهای کارخانه شروع به دادن شعارهای علیه ابر قدرت ها و عوامل داخلی آنها بعنوان مستبدین حزبی نمودند و بعد شروع به حرکت با شعارهای کوبنده چون "مرگ بر صدام"، "ما دشمنیم با شیطان، چه برژنف چه ریگان"، "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر چماق دار"، "مرگ بر

ما زنگار" و غیره کردند. با شروع این حرکت کارگران قسمتهای دیگر بدشتیانی از این حرکت مترقیا نه با ملحق شدن خود به آن برخاسته و با هم بطرف محوطه کارخانه با شعارهای مرگ بر چماق دار و... و در ضمن با خواندن سرودهای بیباک متکشان، زنده بود خلق کرد، به حرکت خود گرمی خاصی بخشیدند. در این حرکت حزبیهای خاشن و بدستان شوکر متکشان چون اکثریتی ها و توده ای - های مزدور زمین بدنیسال شکار میگشتند و یک لحظه غافل نبودند و ملی جواب خود را با یکپارچگی مبارزه بر علیه امپریالیستها و صدام و حزب مستبد جمهوری گرفته و تیری که را کرده بودند با مقاومت و آگاهی توده های کارگر به سنگ خورد.

چند روز جنازه با دکرده اش را در بیابان پیدا میکنند. بنا بد گفته، دولت، عبدالعزیز مطوم الحال به پاکستان سفر کرده و با خانهای فسراری مذاکره کرده که آنها را برگر - داند به ایران. آنها هم گویا در جواب گفته اند اگر ما برگردیم باید از ما هم نما یمنده به مجلس برود. جز اختلاف بر سر مسئله شیعه و سنی خلی - ی بالاست حتی تا آنجا رسیده که علنا تبلیغ میکنند شیعه ها تا سیونال شیعه هستند و باید ازین برونند.

سرمقاله...

بقیه از صفحه ۱۴

سردهند و خواهان محاکمه و مجازات اشد توطئه گران شوند! این مجلس و دولت و دستگاه قضائی و اجازاب و دستجات چماق دار و فاشیست باید برچیده شوند!

ما زهم امروز از مردم شریف تهران و سراسر کشور دعوت میکنیم که روزنامه ها و مجلات با ملاح قانونی کنونی را، که دیگر همگیشان وابسته به حزب حاکم و دولت و کودتا - چیان هستند، تحریم کنند و بلکه آنها را مجاله کرده قوی صورت خفه کنندگان آزادی قلم و مطبوعات بکوبند! مردم به زباله احتیاجی ندارند.

مرگ بردشمنان آزادی و استقلال و نظام جمهوریت در ایران! مرگ بر حزب جمهوری اسلامی و سران توطئه گر کبودتسا! مرگ بر استبداد زیر پرده، دیسین! مرگ بر نوکران نو قدم و تازه بدوران رسیده آمریکا و ابر قدرت ها! بیروزی با ملت ایران خواهد بود!

۱۲ خرداد ۶۰

خبری از سیستان و بلوچستان

کنترل این منطقه روزها بوسیله هلیکوپتر انجام میشود. آشور که مشخص است گشت زمینی و شبانه در آن منطقه نیست و کنترل توسط هلیکوپتر از هوا انجام میگردد. همچنین از اهدان به طرف مرز جابه جارا صلا امنیتی نداد و هر کس می - خواهد از این منطقه برود، از طرف نیروهای انتظامی با و تذکر میدهند که راه در دست ما نیست و هر چه پیش آید مسئول خودتان هستید. به دلیل نبود کنترل در این منطقه کار جاشی کشیده که خانیای پاکستانی شعبه های دلالی و غیره برای خودشان بخصوص در اطراف جابه جارا دایر نموده اند. هفته پیش فرمانده نیروی هوایی جابه جاره رسیده میشود که بدان

یک شکلی در عمل دریا فته - اند که تا آنجا شیکه ممالح ایشان و انقلابشان در میان است همه امپریالیستها و بویژه دوا ابر قدرت آمریکا و شوروی و رژیمهای مترجع با یکدیگر هم قول و هم پیما - نند و روی یک خط حرکت میکنند؛ بریدن سر انقلاب به ترتیب ممکن.

روی دیگر سیاست امپریالیستها از جمله سوسیال امپریالیسم شوروی است که همای پیششرد فعلا لاند سیاست بریدن سر انقلاب به ترتیب ممکن، چون گرگی در جلد میش فرو میروند و به منظور تحقیق توده های مردم یک سیاست مودیانه ای را دنبال میکنند. با زتاب این وجه زیست امپریالیستها از جمله امپریالیسم شوروی غالبا چیزی نیست جز یک رشته شعارهای پرطمطراق ولیکن پوچ و تو خالی.

جاوید باد خاطره رفیق شهید

☆ غلامعلی رودانی ☆

غروب روز پنجشنبه هفتم خردادماه در جبهه اروند آبادان، یکی از غیورترین و پاک ترین آزادگان مدافع میهن و انقلاب، بخون شهید. شادروان غلامعلی رودانی، فرزند رنج و عماره، زحمت و دردها بود، در کودکی با زدن با مشکلات زندگی بطور دائم از او انسانی سرخسخت و عاصی با آرزوی ناکامی های روزمره و دانی که ویژگی زندگی زحمتکشان میهن مساء، بخصوص در دوران تسلط شوم رژیم سلطنتی بود، وی را بدام اعتبار دکان زسوی امپریالیسم و دربارش در سران سرکشور مساء گسترده بودند، کفاند، انقلاب ۵۷ که جا معمان را در گریون کرد، در قلب و روح غلامعلی

تحول ایجاد ننمود. اراده ای چون پولاد لازم بود که از سر چنین دانی رهایش سازد، اراده ای که غلامداشت. با شروع جنگ تحمیلی رژیم بعثت به میهن عزیزمان، همه دوستانش بیادارند که غلام گفت: "حتی اگر مرا قبیلا از سرایین کوچ بیدار کنند، بیادارند از این کوچه بیرون نخواهم رفت." در جبهه وجود غلام یعنی آمایش و احسی برای همه رفقایش بود، همواره نهایت سعی اش بر آن بود که سخت ترین کارها را خودش انجام دهد و بساری را از دوش رفقایش برگیرد. منطق قوی، دیدار جماعتی روشن و صراحت و صداقت غلام در برخوردش به مسائل و حل سریع و صحیح آنها در مدت کمی از او یک

"بزرگتر" برای دیگر رفقایش ساخت. رفقایش بی ملاحظه بودی اقدام به کوچکترین کاری نمی کردند. شخصیت انسانی و والای غلام جای کمبودهای جبهه را برای همه پر می کرد. غلام کلید گشایش موانع برای رفقایش بود. غلام یک کارگزاران خود یک کارگر برق بود، از تنگ نظری های روشنفکران با نسی بدور بود و واقعیت ها را بخوبی می توانست لمس و درک کند. این چندین ماه مبارزه در جبهه ها دید روشنی از توطئه گران در قدرت و نقش شوم آنها در به اجرا آمدن انقلاب به روی داده بود. رفیق رودانی حقیقتا از اشرار بعثتی و اشرار حزبی به منتهی درجه نیز آ بود. او با

تمام وجود بر علیه دشمنان آمریکا، انقلابی مبارزه می نمود. همدستی و همدستی نی حزبهای آمریکا، شروسی و نوکران و نوجه ها ایشان را با این دشمنان در لگدمال کردن دستاوردهای انقلابی موضوع میدیدند. در لگدما شوشی میگفت: "کی گلته از توده ایها خاشن تر وجودندارد، پس اکثریتی ها چه هستند؟". رفیق غلام انسانی والا و مبارزی خستگی ناپذیر بود و چنانچه جنگ تحمیلی نوکران آمریکا و از ازمیان مساء نمی رهید، چه بسا از ارزنده ترین فعالین جنبش کمونیستی میگفت. در غروب روز پنجشنبه، هفتم خردادماه، هنگامیکه رفیق به همراه دوستانش از دستگراش با جیب حامل تفنگ ۱۰۶ میلیمتری در حال انجام وظیفه بودند، بدلیل نقص فنی، تومبیلشان از جاده خارج شده، دوش دیگر که همراهش بودند زخمی گردیده و غلام شهید میشود. یاد او را همیشه جاودان باد.

دم خرس قطبی و قسم روس پرستان

در تاریخ دهم خردادماه، "نووستی" خبرگزاری مطبوعه تیرشوروی، خبر داد که بدنیال سفر ملک حسین شاه اردن به مسکو، در ضیافت نا هاری که به افتخار وی در کاخ کرملین برپا شده بود، لئونید برژنف، صدر هیئت رئیسه اتحاد شوروی طی سخنانی اظهار داشت: "ما با ابراز خرسندی خاطر نشان میکنیم که مواضع اتحاد شوروی و اردن در مورد بسیاری از مسائل بین المللی و قبل از همه در مورد مسائل برقراری صلح پایدار، رژیم نزدیک است" راستی این مواضع حسین بادشا در بهره شناسنده

شده امپریالیسم آمریکا و جاده ۲۰ هزار فلسطینی محروم در بیتا مبره ۱۹۷۰، پیرا مسون مسائل برقراری صلح پایدار و عادلانه در خواورد. میاندهیست که با مواضع دولت "سویالیستی" شوروی نزدیک است و تا این حد موجب خرسندی آقای برژنف گردیده است؟ در زیر برای تازه شدن ذهن خوانندگان اهم مواضع شاه حسین را در مورد مسائل خاورمیانه عربی نکتهدار با زگو میکنیم:

۱ - سرکوب و کمک به قطع و قطع جنبش مبارز فلسطین و حرکت ترقیخواه لبنان، در دو کشور اردن و لبنان، هم اکنون هزاران فلسطینی و عرب

۲ - مجبور ساختن خلق قهرمان فلسطین بقبول توطئه مشترک آمریکا - شوروی تحت عنوان "دولت کوچک فلسطینی" در ساحل غربی رودخانه اردن، بنابر این توطئه امپریالیستی، سازمان آزادبخش فلسطین تشکیل یک دولت خواهد داد که تحت قیمومیت رژیم سلطنتی فلسطینی اردن قرار خواهد داشت.

۳ - سرسیت شناساندن رژیم صهیونیستی اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین به کشورهای با صلاح حفظ (بشهاد در صفحه ۹)

خاطره زنده یاد رودانی استقامت و پایداری در مبارزه با امانت داریش در حفظ اسرار همواره مرشح رفقایش خواهد بود. با چنین شهیددی پیمان دیرینه تازه میکنیم که تا نجات کامل انقلاب و میهن از چنگال دشمنان رنگارنگی یکدم از پای نخواهیم نشست، چنین باد.

